تولدِ هفته

روایت شاعر صد دانه یاقوت از روز تولدش

مصطفی رحماندوست، از پیشکسوتان ادبیات کودک و نوجوان و از چهره‌هایی است که حدود نیم قرن از عمرش را صرف شعر گفتن، نوشتن، پژوهش، نقد، تدریس و نهادسازی در حوزه کودک و نوجوان کرده و تا به‌حال ۳۲۰ عنوان کتاب از او منتشر شده است.

اینک در سالروز ۶۹ سالگی‌اش، از این‌که نویسنده و شاعر کودک و نوجوان شده، خرسند است و می‌گوید، اگر دوباره به دنیا بیایم و بخواهم حرفه‌ای برای خودم انتخاب کنم، قطعا باز هم شاعر و نویسنده کودک و نوجوان می‌شوم، البته اگر مرا به‌عنوان نویسنده کودک و نوجوان قبول داشته باشند.

به گزارش ایبنا، مصطفی رحماندوست، این روزها در دفترش می‌نشیند و همه وقتش را به خواندن و نوشتن می‌گذراند. او دیگر نه در دانشگاه تدریس می‌کند، نه به کتابخانه ملی می‌رود، نه به انتشارات امیرکبیر و می‌گوید: تازه فهمیده‌ام که چقدر کار نکرده و نیمه‌تمام دارم که باید همه را به سرانجام برسانم. این روزها مانند سال‌ها پیش، ۱۴ ساعت در شبانه‌روز می‌خوانم و می‌نویسم و به سوژه‌ها و کارهای نیمه‌تمام رسیدگی می‌کنم. سراغ دو سبدی می‌روم که سال‌ها در گوشه اتاق کارم خاك خورده‌اند؛ سبد جرقه‌ها که پر از سوژه‌های کار نشده است و سبد کارهای نیمه‌تمام. البته فعلا مشغول رسیدگی به سبد کارهای نیمه‌تمام هستم و هنوز نوبت به سبد جرقه‌ها نرسیده است. اما تا زمانی که دستم نلرزد و آلزایمر نگرفته‌ام همچنان می نویسم.

او می‌گوید: تا به‌حال پیش نیامده از چاپ کتابم ذوق‌زده شوم و انتظار داشته باشم کسی به من تبریك بگوید. همین چند روز پیش در زمان اسباب‌کشی به دفتر کار جدیدم، متوجه شدم هشت سال است که یکی از کتاب‌هایم منتشر شده و دو بار هم تجدیدچاپ شده ولی من بی‌خبر بودم. تنها خوشحالی‌ام این بوده که آثارم به ۱۴ زبان دنیا ترجمه شده است، البته دلیل خوشحالی من این نیست که کتاب‌های من به ۱۴ زبان ترجمه شده، دلیلش این است که با این ترجمه‌ها زبان و ادبیات فارسی ترجمه شده و در دنیا منعکس شده است و فرقی ندارد چه کتابی و از چه نویسنده‌ای باشد. وقتی کتاب «قصه دو لاك‌پشت تنها» ترجمه شد و به‌عنوان کتاب سال ایتالیا انتخاب شد، برای من مهم این بود که یك کتاب از ایران به فهرست کتاب‌های برگزیده ایتالیا راه یافته و این اتفاق برای هر کتاب دیگری می‌افتاد باز هم من به همین اندازه خوشحال می‌شدم. چراکه این روزها آن‌قدر وضعیت ارتباط‌های سیاسی و اقتصادی کشور ما با کشورهای دیگر بد است که باید تلاش کنیم همین ارتباط‌های فرهنگی را زنده نگه داریم.

پارتیتور یکی از به یاد ماندنی‌ترین ساخته‌های حسین علیزاده رونمایی شد

نی‌نوا روی کاغذ

زینب مرتضایی‌فرد

ادبیات و هنر

سال‌های کودکی‌اش در یکی از محله‌های قدیمی تهران گذشته است. همان سال‌ها جادوی صداهایی می‌شود که در ماه محرم و صفر و عزاداری امام حسین(ع) به گوشش می‌خورد. نواها را فراموش نمی‌کند. بزرگ که می‌شود، زندگی‌اش با موسیقی گره می‌خورد. او باز هم نواهای به یاد ماندنی دوران کودکی‌اش را فراموش نکرده و جایی در گنجینه ذهنش نگهشان می‌دارد. او می‌تواند موسیقی را با نگاهی متفاوت درك کند و به خلق اثر هنری بپردازد.

حسین علیزاده، هم سنت موسیقی را خوب می‌آموزد و هم می‌داند چگونه سنت‌های موسیقایی را در دل نوآوری‌های منحصر به‌فردش یك گام به جلو هدایت کند. او می‌شود آهنگساز و نوازنده‌ای که علاوه بر نوشتن چند کتاب آموزشی و سرپرستی گروه‌های عارف، شیدا و... موسیقی‌های بی‌نظیری هم برای فیلم‌های سینمایی کشورمان می‌آفریند.

در کنار موفقیت‌های داخلی و خارجی متعددش، خلقیات خاص خودش را هم دارد. به‌راحتی به جایزه «شوالیه» فرانسوی‌ها نه می‌گوید و دست رد به سینه‌شان می‌زند، اما وقتی در یك برنامه در شهر شیراز به او عنوان شهروند افتخاری این شهر را اعطا می‌کنند، با اشتیاق می‌پذیرد و آن را از شوالیه ارزشمندتر می‌داند.

او موسیقی را زندگی می‌کند. از هر آنچه موسیقی را تحت‌تاثیر قرار دهد یك قدم فاصله می‌گیرد. آلوده سیاست و موقعیت‌های فریبنده‌ای که می‌تواند در مسیر هر هنرمند شناخته شده‌ای قرار بگیرد، نمی‌شود. با هنر آغاز کرده، با هنر می‌ماند و هنرمندانه ادامه می‌دهد. او سخت‌ترین کارها را انجام می‌دهد تا تسلیم ساده‌ترهایی که می‌توانند از هنر دورش کنند، نشود. حالا فکرش را بکنید چقدر حسین علیزاده بودن دشوار است.

در میان آلبوم‌های موسیقی و اجراهای صحنه‌ای علیزاده که اغلب کارهایی درخشان و قابل تامل محسوب می‌شوند، «نی نوا» جایگاه دیگری دارد. اثری ارزشمند و قوی که مخاطبان موسیقی از عوام گرفته تا خواص و افرادی با سلیقه‌های مختلف دوستش دارند و در حافظه ایرانیان جایگاه خاص خود را دارد. اثری که البته به گفته سید عباس سجادی مدیر عامل بنیاد آفرینش‌های هنری نیاوران، اشتیاق مخاطبان را نه تنها در ایران که در آن سوی مرزها نیز برانگیخته و به‌عنوان یکی از به یادماندنی‌ترین آثار موسیقایی ملی ایران دارای شهرتی جهانی است.

«پارتیتور دستنویس نی نوا» یعنی همین اثر ایرانی و جهانی علیزاده عصر روز جمعه در فرهنگسرای نیاوران رونمایی شد، جمعی از استادان برجسته موسیقی دور هم جمع شدند، از علیزاده، آثارش و ارزشمندی «نی‌نوا» حرف زدند و پارتیتور دستنویس این اثر را هم رونمایی کردند. علی بوستان، مدیر اجرایی موسسه «تار و پود» که این اثر را منتشر کرده هم در این آیین مورد تحسین حاضران قرار گرفت و از او خواستند در موسسه رویه انتشار چنین آثاری را ادامه دهند.

فارغ از این‌که در این آیین رونمایی چه گذشت و حاضران چه گفتند، می‌رویم سراغ این‌که «نی نوا» از کجا آغاز شده، ایده‌اش چگونه در ذهن علیزاده شکل گرفته و چطور تبدیل شده به یکی از ماندگارترین نواهای موسیقی ایران. هر چند به نظرات بزرگان موسیقی درباره انتشار پارتیتورهای این اثر، موسیقی و همچنین خالقش می‌پردازیم، اما مفصلش را می‌توانید در خبرگزاری‌ها و سایت‌ها بخوانید و ببینید در این آیین چه گذشته است.

۱ ماجرای «نی نوا»

برویم سراغ ماجرای «نی نوا»؛ آلبومی که مهر ۶۲ توسط موسسه فرهنگی - هنری ماهور روانه بازار موسیقی شد. خیلی زود محبوبیت عمومی پیدا کرد و حتی موجب شد علیزاده در سطح بین‌المللی هم بتواند خود را بیشتر بشناساند. در این آلبوم، نی، نقش یك راوی را دارد و مصرع نخست از نی‌نامه مولوی، یکی از مواردی بوده که علیزاده از آن ایده گرفته‌است. تکنوازی نی در این آلبوم توسط جمشید عندلیبی انجام شده‌است. «نی‌نوا» دومین اثری بود که علیزاده برای ارکستر ساخت و به دلیل علاقه‌اش به دستگاه نوا، از این دستگاه برای نوشتن این قطعه استفاده کرد. هر چند نی نوا را خیلی‌ها قطعه‌ای کاملا مذهبی می‌دانند اما علیزاده خودش می‌گوید نوعی خاطره‌نویسی موسیقایی از سال‌های آغازین دهه ۶۰ است که در آن آیین‌های مذهبی هم الهام‌بخش بوده است.

«نی‌نوا» زمانی پخش شد که پیش از آن هنرمندان مختلف عمدتاً از آواز به عنوان عنصر اصلی در موسیقی خود استفاده می‌کردند و از این‌رو که یك آلبوم ایرانی تنها با تکیه بر سازهای گوناگون بتواند به محبوبیت فراگیر در جامعه برسد، در نوع خود با اهمیت جلوه می‌کرد. استفاده از ریتم، سازآرایی گوناگون و فرم چندصدایی که مورد آخر در آن زمان در بین آثار ایرانی تازگی داشت، از عواملی هستند که منتقدان در موفقیت اثر از آن نام می‌برند.

۲ علیزاده از «نی‌نوا» می‌گوید

بنا به گفته علیزاده، نوشتن نی‌نوا حدود دو سال و ایده ساختنش حدود چهار تا پنج ماه زمان برده است. نتیجه و فکرهای اولیه نی‌نوا برای او در ۲۳، ۲۴ سالگی شکل گرفته و او این ایده را در تك‌نوازی‌ها و اجراهایش به شکل‌های گوناگون اجرا می‌کرد.

او در یکی از مصاحبه‌هایش می‌گوید، زمانی که این قطعه را می‌ساخته، به دلیل جنگی که در آن دوره بین ایران و عراق وجود داشت و مبهم بودن نتیجه جنگ، همراه با نوشتن نت‌ها اشك می‌ریخته: «من همیشه نتایج این جنگ را می‌دیدم و همه چیز را درهاله‌ای می‌دیدم که مثلاً نتیجه جنگ چیست؟» او بر این باور است که در آن دوره، خیلی‌ها مسائل هیجان‌برانگیز جنگ را دیدند، اما او جنایت دشمن را می‌دید و «نی‌نوا» را مربوط به حس و حال آن زمان می‌داند.

علیزاده همچنین می‌گوید: «نی نوا» تجربه جالبی بود، برای این‌که آن را از خواص و عوام، همه دوست داشتند. من یك عمر کار کرده و به ردیف مسلط بودم. می‌دانستم کجاها و به چه شکلی از ارکستر استفاده شود و کجا نِی بیاید که شنونده احساس نکند در کنار ملودی‌های ایرانی، ارکستر یك شکل اضافی دارد. ملودی‌ها طوری است که برای گوش ایرانی خیلی آشنا و نوازشگر است. ضمن این که آثاری که به وجود می‌آیند، به شرایط آن دوره و سنخیت با آن شرایط بستگی دارند. به نظرم، «نی‌نوا» بازگوکننده شرایط خودش هست و برای مردم یادگار دورانی است که تلخی و شیرینی زندگی‌شان را در آن می‌بینند. شاید هم تلخی‌اش بیشتر باشد. البته من غمی که در نی‌نوا هست را دوست دارم. یعنی این حسی بود که من خودم داشتم و فکر می‌کنم آن موقع به شکلی هم‌زبان و هم‌دل شدن با مردم بود. مردم این را خیلی خوب جذب کردند.

۳ آهنگساز و نوازنده جوان

علیزاده زمان انتشار آلبوم ۳۲ سال دارد و جمشید عندلیبی نوازنده جوان نی ۲۶ سال، اما وقتی کنار هم قرار می‌گیرند، کاری می‌کنند کارستان. عندلیبی برحسب علاقه‌اش برای همکاری در کار جدید با محوریت نی، پیشنهاد همکاری نواختن نی در نی‌نوا را به علیزاده می‌دهد و در این کار از نی هفت‌بند که ریشه در اصفهان و مرکز ایران دارد، استفاده می‌کند.

علیزاده درباره استفاده از نی در این آلبوم می‌گوید: شاید انگیزه من آن زمان این بود که ساز نی را به نوعی به صحنه بیاورم. چون ساز نی نسبت به سازهای دیگر در آن زمان خیلی مهجور بود، با این‌که نی ساز مهمی در موسیقی ایرانی است، ولی تنها در تك‌نوازی از آن استفاده می‌شد و انگیزه من ترکیب این ساز با سازهای دیگر بود.

از طرف دیگر عندلیبی در تازه‌ترین گفت‌وگویش با عباس سجادی که در فضای مجازی منتشر شد، می‌گوید: علیزاده آهنگساز هوشمندی است، اجازه می‌دهد نوازنده هم نظر بدهد و نظرش را اعمال می‌کند، برای همین ممکن است از برخی بخش‌ها چند برداشت مختلف ضبط شده و آنها را بعدا بررسی می‌کند، نتیجه کار هم می‌شود این‌که هنوز از کشورهای خارجی مرا دعوت می‌کنند و می‌پرسند چطور برای این قطعه نواخته‌ام که این همه ماندگار شده است.

۴ مسابقات هنری!

علیزاده در آیین رونمایی از «پارتیتور دست نویس نی‌نوا» هم حرف‌های جالبی می‌زند. او می‌گوید: متاسفانه ما درگیر روزمرگی هستیم و به عنوان هنرمند درباره پرواز خیالمان با هم صحبت نمی‌کنیم. او می‌افزاید: در هنر مسابقه معنی ندارد و با مسابقه راه برای ابراز عشق از میان می‌رود. ما هنگام پرداختن به هنر و خلق اثر هنری گوهری را به هم امانت می‌دهیم. کاش به جای صحبت از کمبودها درباره ذهن و قلبمان صحبت کنیم و دریابیم که چه شد که این قطعه ساخته شد.

می‌بینید که... هنوز هم امیدوار است، هم به مسیری که رفته و می‌رود و هم به فرداهایی که هر چند حالا در دل مسابقات پولسازی خوانندگان و شرکت‌های موسیقی تیره و تار به نظر می‌رسند. هنر که جای مسابقه نیست، «نی نوا» که محصول یك مسابقه نیست، محصول عشق است و صحنه هم هیچ وقت از عشق خالی نمی‌شود.

پشت صحنه

این فرهنگ و رسانه مشترك‌المنافع

کل‌کل‌های میز فرهنگی و میز رسانه همیشه یکی از عوامل ایجاد سر و صدا در تحریریه است. اصولا واقعیتش را بخواهید این دو میز بیشترین سر و صداهای تولیدی تحریریه را به خودشان به اختصاص داده‌اند. حالا بگذریم از این‌که این دو گروه عیال‌وارترین گروه‌های تحریریه هم هستند و به تنهایی تولید ۷ صفحه از ۲۰ صفحه روزانه روزنامه را به‌عهده دارند. ظهر کاری دیروز هم با کل‌کل‌های بین سرویسی شروع شد وقتی که دبیر محترم گروه همسایه به قصد تخفیف فضای دوستانه و صمیمانه گروه زبان به سخن گشود که گروهتان اگر خیلی خوب بود، دو نفر از آن فراری نمی‌شدند. اشاره دبیر گروه همسایه به انتقال نیرویی از گروه فرهنگی به گروه‌های رسانه و اجتماعی بود که طی آن میثم اسماعیلی و فاطمه شهدوست به این دو گروه پیوستند. خلاصه که یکی از جذابیت‌های روزانه ما همین کل‌کل‌ها و یکی به دو گذاشتن‌هاست. حالا شما هم خیلی این مزاح‌های ما را با گروه رسانه جدی نگیرید. «فرهنگ و هنر» و «رسانه» هر چند دو گروه جدا و مستقل هستند اما مشترك‌المنافع هم هستند. وضعیتی که هیچ دو گروهی در روزنامه این حالت را ندارد.

و اما بعد... زینب مرتضایی‌فرد امروز رفته و سراغی از جناب حسین علیزاده و جمشید عندلیبی گرفته. اگر معرف حضور نیستند، باید عرض کنیم حتما قطعه «نی‌نوا» را شنیده‌اید. امکان ندارد نشنیده باشید. عارضیم به حضورتان که پشت صحنه این قطعه معروف، شنیدنی است. حالا هم اخیرا کتاب نت‌های این قطعه منتشر شده و مرتضایی‌فرد همین را بهانه کرده و مروری داشته به این قطعه و اخبار و حواشی‌ای که این طرف و آن طرف گفته شده. حاصلش هم شده یك گزارش خواندنی در این روزهای داغ و کشدار تابستانی که حتما برایتان جذاب خواهد بود. در همین صفحه هم می‌توانید بخوانید.

در صفحه ۱۰ هم رفته‌ایم سراغ یك کتاب خوب دیگر که قرار است طی همین روزها، خبرهای بیشتری درباره آن بشنوید. قصه از این قرار است که طی روزهای آتی قرار است از تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب «شیر زیتان» رونمایی شود. همین هم باعث شد بچه‌های صفحه هنر و ادبیات فی‌المجلس بروند سراغ جزئیات ماجرا و ته و توی این کتاب را در بیاورند و در ضمن هم معرفی‌اش کنند. این گزارش را می‌توانید در صفحه ۱۰ بخوانید.

این روزها اگر تیزرهای سینمایی را در همین تلویزیون هم دیده باشید احتمالا به چشم‌تان خورده که جوادخان رضویان با یك فیلم سینمایی خودش را روی پرده سینماها آورده است. اسم فیلم هم بگویی نگویی یك طوری است: «زهر مار». بچه‌های سینمایی ماکه در دوران جشنواره هم این فیلم را دیده‌اند در صفحه ۱۱ رفته‌اند سراغ فیلم‌هایی که به کارگردانی بازیگران ساخته می‌شود.